

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۵/۲۳

شکل‌گیری نخستین انجمن شهری قزوین در عصر مشروطیت

حجت فلاح‌توتکار

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

محمد بیطرفان

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی

دانشگاه خوارزمی

چکیده

انقلاب مشروطیت ایران، زمینه شکل‌گیری نهادهای دموکراتیک را فراهم آورد. یکی از این نهادها انجمن‌های بلدیّه بود. پس از تصویب قانون بلدیّه در مجلس شورای ملی، ساز و کار شکل‌گیری انجمن‌های بلدیّه در شهرهای مختلف فراهم شد. شهر قزوین نیز در دوره اول مجلس شورای ملی از این نهاد برخوردار گردید. درباره شکل‌گیری انجمن بلدیّه قزوین در منابع تحقیقاتی خبر درخور توجهی وجود ندارد و آنچه که تاکنون بیان شده، همراه با حدس و گمان است. نوشتار حاضر به دنبال بررسی شکل‌گیری انجمن بلدیّه قزوین براساس منابع دست اول و اسناد می‌باشد. **کلیدواژه‌ها:** احتسابیه، انجمن بلدیّه، حاج سیدابراهیم، صدرالعلماء، میرزا حسن رئیس‌المجاهدین.



مقدمه

شهر قزوین از دیرباز به عنوان یکی از شهرهای مهم ایران از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شناخته شده است. این شهر در انقلاب مشروطیت نیز با معرفی کسانی چون علی‌اکبر دهخدا و میرزا حسن رئیس‌المجاهدین نقشی اساسی در حمایت از مجلس شورای ملی داشته است. در این میان اطلاعات ما از نهادهای مدنی که در این دوره در این شهر تأسیس شدند، بسیار اندک و در گاهی موارد همراه با حدس و گمان است. بر همین مبنا، پژوهش حاضر، کوششی جهت روشن نمودن وضعیت شکل‌گیری انجمن بلدیّه قزوین و نخستین رئیس آن دارد.

در باب پیشینه تحقیق، تنها گزارش درباره انجمن بلدی قزوین، از کتاب محمدعلی گلریز اقتباس شده است. در این گزارش بسیار کوتاه، گلریز به شکل‌گیری انجمن بلدی قزوین و اولین رئیس آن اشاره می‌کند. محققان و پژوهشگران بعدی نیز به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از این منبع استفاده کرده‌اند؛ بدون آنکه به بررسی صحت و سقم آن بپردازند. نوشتار حاضر به دنبال آن است که بر اساس منابع دست اول و اسناد، درستی و یا نادرستی آن را نشان دهد.

سؤالاتی که در این حوزه مطرح می‌شود و نویسندگان این مقاله برای پاسخگویی بدان، اوراق تاریخی را بررسی کرده‌اند، به شرح ذیل است:

- (۱) اسناد نو یافته درباره انجمن بلدیّه قزوین به چه چیزی اشاره دارند؟
- (۲) شکل‌گیری انجمن بلدیّه قزوین چه روندی داشته است؟

تأملی بر تاریخچه مناصب شهری در ایران

در درازای تاریخ ایران بر بنیاد ویژگی‌های هر دوره تاریخی، نهادهای شهری وجود داشت و در چارچوب همین نهادها امور شهری سامان پیدا می‌کرد. هرچند با توجه به ساختار عمدتاً متمرکز سیاسی در ایران، این نهادهای شهری بیشتر وابسته به دولت مرکزی بود ولی مردم نیز در چارچوب همین نهادها در سامان شهری نقش داشتند. هرچند این نقش در جامعه شهری ایران با نوع نگاه به مشارکت شهروندی در غرب، متمایز بود.

شهرهای غرب کشور از نظر جامعه‌شناسی تاریخی دارای اجتماعات و الگوی خودفرمان بودند؛ یعنی از میان کسانی که به عنوان شهروند شناخته می‌شدند، برخی، با نظر مردم اداره امور شهری را بر عهده گرفته و سامان می‌دادند و نقش حکومت مرکزی در آن، بسیار ناچیز و یا منتفی بود. اما در شرق کشور، شهرهای خودفرمان شکل نگرفتند، بنابراین استقلال این شهرها به رسمیت شناخته نشد. زیرا شهرها بیشتر قرارگاه فرمانروایان و یا والیان و کارگزاران قدرت مرکزی بودند، بنابراین نوع تعاملات شهری غرب، در شرق صورت نبست. چنانچه نقش مردم شرق در شهرهای خود بالنسبه از روی رضایت و یا عدم رضایت در پذیرش کارگزار تشکیل می‌شد. به نظر ماکس وبر:

در شهرهای شرقی نیز اهالی شهرها در انجمن‌های محلی و صنفی، که دارای حقوق و امتیازات و تکالیف و وظایف معینی بودند، متشکل می‌شدند. محلات شهر، واحد اصلی به شمار می‌آمدند و به شیوه دسته‌جمعی مسئول امنیت افراد و قلمرو خود بودند و در موارد بسیار، مقامات محلی یا از میان اهالی

محلات و یا از میان سالمندانی که از خانواده‌های سرآمد شهر بودند، برگزیده می‌شدند. با این همه، مقام شهروندی چنانچه در شهرهای یونانی و رومی باستان و در شهرهای اروپایی قرون وسطی دیده شده، ناشناخته بود. شهر دارای شخصیت حقوقی خاص خود نشد و حکومت خودفرمان و دسته‌جمعی شهر هرگز نبالید.^۱

نهادی که بتوان آن را مبدأ تحولات شهری نامید، در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری قمری در شغلی با عنوان محتسب شکل گرفت. با شکل‌گیری دایره احتساب یا حسبه در دوران اسلامی، این شغل در کنار وظایف شهری هم‌چون جلوگیری از گران‌فروشی و کم‌فروشی، یک وظیفه دینی تلقی می‌شد. چنانچه در انتخاب سرپرست آن یعنی محتسب بیشتر به دینداری وی تکیه می‌کردند.^۲ بعدها داروغه نیز در وظایف محتسب دخیل شد و در دوره صفوی تقریباً با ایجاد ساز و کار خاصی جایگزین محتسب گردید. در دوره قاجار با شکل‌گیری نهاد احتساب، همت بیشتری به این موضوع گمارده شد.^۳

عمده عملکرد محتسب پس از شکل‌گیری، نظارت بر «اخلاق عمومی، آسایش عمومی و روند درست امور اقتصادی ... تأمین آب آشامیدنی، پاکیزگی خیابان‌ها و آزادی رفت و آمد در معابر ...» بود.^۴ منصب محتسب در طول تاریخ، فراز و فرودهایی را تجربه نمود. با اینکه در اوان ورود اسلام به ایران یکی از مناصب بزرگ اسلامی به شمار می‌رفت، رفته رفته با ورود فرهنگ‌ها و اقوام گوناگون در کنار تعریف جداگانه از مناصب، وجهه اصلی خود را در برابر مناصبی هم‌چون رئیس، داروغه و کلانتر از دست داد تا اینکه در سده نوزدهم عملاً مقام محتسب برچیده شد.^۵

در دوره غزنویان و سلجوقیان منصب «رئیس»، هرچند از طرف حکومت مشخص می‌شد ولی تا حدودی حافظ منافع مردم در قبال حاکمیت نیز به شمار می‌رفت.^۶ با گذشت زمان، واژه رئیس به عنوان یک شغل شهری مطرود شد و از سده نهم و دهم، واژه و منصب کلانتر مطرح گردید؛ منصبی که با گذشت زمان، وظایف متفاوتی را تجربه نموده ولی همانند رئیس، وظیفه یکسان‌سازی عمل مالیات و پیوند فکری مردم و قشر بالانشین را بر عهده داشته است.^۷

فرق مهم کلانتر با رئیس، این بود که تا اندازه‌ای کلانتر با نظر مثبت مردم انتخاب می‌شد؛ هرچند قدرت و اختیارات رئیس بیش از کلانتر بود.^۸ سرچان ملکم در این رابطه می‌گوید:

۱. اشرف، احمد، «شهرنشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی»، مجله آرش، دوره پنجم، ش: ۲۵، مرداد ۱۳۶۰؛ صص ۱۰۳-۱۰۱.
۲. ابن‌اخوه، محمد بن احمد بن قریشی، آیین شهرداری در قرن هفتم هجری، ترجمه جعفر شعار (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، چاپ سوم)؛ صص ۴۹-۴۸.
۳. احرار، احمد، «از محتسب و داروغه ... تا رئیس بلدیة و شهردار»، مجله خواندنیها، سال هفدهم، ش: ۸۵، شنبه ۸ تیر ۱۳۳۶؛ ص ۱۲.
۴. لمبتون، آن. ک. اس، «خاص‌گرایی بومی و مردم‌عامی در ایران پیشامدرن»، ترجمه لیلا چمن‌خواه، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هفدهم، ش: ۱۹۲-۱۹۱، مرداد و شهریور ۱۳۸۲؛ ص ۱۰.
۵. همانجا.
۶. همانجا.
۷. برای اطلاع بیشتر، نک: فرهانی منفرد، مهدی، «منصب کلانتر و چند سند در مورد دو تن از کلانتران عصر صفوی»، گنجینه اسناد، سال نهم، ش: ۳۶-۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.
۸. اشرف، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، نامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش: ۴، تابستان ۱۳۵۳؛ ص ۲۵.



... لیکن کلانتر و کدخدای محلات در هر شهری باید از اهل همان بلد باشند، بلکه به حکم لزوم، باید از معتبرین و محترمین همان شهر باشند. اگرچه علی‌الرسم، مردم در اختیار کلانتر و کدخدا اتفاق نمی‌کنند، لکن رضای ایشان در تعیین این دو دخیل است، چنانچه اگر پادشاه، کلانتری تعیین کند که او را مردم نخواهند، نمی‌تواند از عهده خدمات این شغل برآید، زیرا که آن وقع و عظم شخصی در نظر مردم را که لازمه این کار است، ندارد.^۱

به عنوان مثال در زمینه رضایتمندی مردم از انتخاب کلانتر در دوره صفویه آمده است:

حکم جهان مطاع شد ... عدم رضای کدخدایان و ارباب بنیچه و رعایاء الکاء مزبور به کلانتری خواجه محمد تقی، کلانتر آن جا و رضا و خواهشمندى چهاردانگه رعایا و ارباب بنیچه به کلانتری خواجه محمد سعید، کلانتر سابق رسیده، حقیقت واقعی آن را عرضه داشت، پایه سریر خلافت مصیر نمایند، و در این وقت مشاراً البیهم به عرض رسانیدند که به موجب محضر علیحده، چهارصد و شصت و نه نفر به کلانتری خواجه محمدتقی راضی و دو هزار و یکصد و بیست و هفت نفر اظهار رضا و خواهشمندى به کلانتری خواجه محمدسعید نمودند که از آن جمله، نهصد و هشتاد و سه نفر، عدم رضا و اظهار شکوه از خواجه محمدتقی، و تتمه بدون شکوه او اظهار رضا از کلانتری خواجه محمد سعید مزبور نمودند. بنابراین از ابتدا چهار ماهه تنکوزئیل، کلانتری بلده رشت و توابع را به دستوری که کلانتری سابق مرجوع بود، به رفعت تعالی پناه عزت دستگاه ... خواجه محمد سعید، شفقت و مکرمت فرموده؛ ارزانی داشتیم.^۲

جالب اینکه این جریان درباره اقوام و گروه‌های مذهبی غیرشیعی نیز اعمال می‌شد؛ مثلاً در دوره صفوی، کلانتر ارامنه از میان خود آنان انتخاب می‌شد.^۳ لرد کرزن درباره محدودیت پادشاه در این باره می‌افزاید:

... در زمره سلسله مراتب مزبور، پادشاه به صورت بارزی فرمانروای مطلق است و خود او پایگاه اعلی دارد، اما در این مورد هم در واقع، موانع قابل ملاحظه‌ای در برابر امتیازات و حقوق او دیده می‌شود ... به همین نحو نیز در مورد دادگران محلی یا کدخدا مانند کلانتر در شهر و کدخدا در بخش یا دهات هرچند که اختیار تام با اوست، ولی ناگزیر است کسانی را برگزیند که مورد علاقه اهالی باشند و گرنه امور حکومت دچار وقفه خواهد گردید؛ خاصه مطلبی که در ایران بسیار مهم است یعنی عایداتی به دولت نخواهد رسید.^۴

این جریان درباره انتخاب مناصب قضایی هم مهم بود. تا جایی که شاه برای انتخاب شیخ‌الاسلام که به عنوان مقام قضایی شناخته می‌شود، مجبور بود اعتبار و نفوذ وی و خاندانش را در میان مردم مد نظر

۱. ملکم، سر جان، تاریخ کامل ایران، ترجمه اسماعیل حیرت، ج ۲ (تهران: افسون، ۱۳۸۰)؛ ص ۷۴۵.

۲. یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، به کوشش جهانگیر قائم‌مقامی (تهران: چاپخانه ارتش شاهنشاهی، ۱۳۴۸)؛ صص ۵۶-۵۴.

۳. نک: کارری، جملی، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ (تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸)؛ ص ۱۰۰؛ دالمانی، هنری رونه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵)؛ ص ۹۶۱.

۴. کرزن، جرج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، چاپ پنجم)؛ ص ۵۶۹.

قرار دهد.^۱ به هر حال اگر منظور مردم در جریان این انتخاب‌ها رعایت نمی‌شد، شورش‌های گوناگونی به وقوع می‌پیوست؛^۲ مثلاً در برهه‌ای، طایفه بهارلو اعلام کردند:

کلانتر خود را نمی‌خواهند؛ در داراب بنای اغتشاش را گذارده‌اند؛ می‌خواستند کلانتر خود را بکشند؛ او هم فرار کرده؛ در قلعه محصور شده است ...^۳

منصب کلانتر پس از ایجاد در عصر ایلخانی رفته‌رفته تا عصر صفوی به یک «منصب عمومی» مبدل گردید.^۴ این منصب به طور مداوم با عناوین و کارکردهای مضاعف تا دوره قاجار شناخته می‌شد. عمده وظایف کلانتر که به دو بخش نظم و امنیت و منافع شهری برمی‌گشت، به دو ارگان پلیس و احتساب محول شده بود. رفته‌رفته در دوره قاجاریه هنگامی که ناصرالدین شاه پس از سفر دومش به اروپا الگوی پلیس غربی را می‌پسندد، این وظیفه از اختیارات کلانتر منتزع می‌شود. با این احوال، این منصب حتی با شکل‌گیری مشروطیت در برخی شهرها من جمله کاشان، اردبیل و خوی با ساخت‌های سنتی به طور ضعیف به فعالیت خود ادامه داد، ولی از اواخر دوره قاجار ماهیت خود را از دست داد.^۵

نهاد احتسابیه با توجه به ریشه‌های تاریخی و دینی آن به عنوان نهاد «حسبه» در دوره ناصری احیاء گردید و گاهی با تلازم با نهاد نظمیه و گاهی جدای از آن تعریف شد.^۶ به نظر می‌رسد شکل ابتدایی نهاد احتسابیه به دستان امیرکبیر صورت گرفته باشد زیرا نخستین گزارش‌ها از احیاء نهاد حسبه به دوران وی باز می‌گردد.

درآمدی بر قانون بلدیّه و گستره آن در ایران عصر مشروطه

شکل‌گیری انجمن‌های مردمی، خواه رسمی و یا غیررسمی نشان‌دهنده نیازهای مردم برای سامان دموکراتیک جامعه بود. در این میان انجمن بلدیّه به دلیل کارکرد منحصر به فرد خود آرزوی مردم جهت پیاده کردن الگوهای شهرنشینی نو را محقق می‌ساخت. اقدامات این انجمن در بطن جامعه قرار داشت و با زندگی روزمره مردم در تماس بود و ارتباطات تنگاتنگی با نحوه برخورد مردم در امور معیشتی داشت. آنچه آشکار است، فعالیت‌های انجمن در جهت تثبیت قیمت‌ها، منع احتکار، آرایش و آرایش محیط شهری، به

۱. خسروبیگی، هوشنگ، «مقدمه‌ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۲۶۴-۱۲۱۰ه.ق.)»، مجله نامه انجمن، سال دوم، ش: ۶، تابستان ۱۳۸۱؛ ص ۹۵.

۲. فوران، جان، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین (تهران: رسا، ۱۳۸۸، چاپ نهم)؛ ص ۲۳۸.

۳. وقایع اتفاقیه، به کوشش سعیدی سیرجانی (تهران: آسیم، ۱۳۸۳، چاپ چهارم)؛ ص ۲۵۵.

۴. لمبتون، آن. ک. اس. سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵، چاپ سوم)؛ ص ۱۶۴.

۵. فلور، ویلم، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۱ (تهران: توس، ۱۳۶۶)؛ صص ۴۰-۱۲.

۶. به قول محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه: «... این کار، همیشه برقرار بوده است و در تکالیف آتساعی داشته ولی از مدتی دراز و عهدی دیرباز، وظایف این کار، متجزی گردیده؛ غالباً در حکومت‌ها مدغم بود و یا با ضبطیه بلاد، منضم. در این دولت بی‌زوال، دایره احتساب استقلال یافت و حدودی معین پیدا کرد و تکالیفی مشخص به هم رسانید.» (اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، چهل سال تاریخ ایران، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، چاپ دوم)؛ ص ۱۶۳). هرچند در دوره اعتمادالسلطنه این وظیفه به طور جداگانه به وی واگذار شده بود ولی بعدها به‌خصوص در دوره مظفری شاهد امتزاج این دو منصب با هم هستیم.



وجود آوردن امکانات رفاهی از قبیل کشیدن برق، ساخت تراموای شهری، تسطیح خیابان‌ها، و اقدامات حفظ الصحه و ... ذهن توده مردم را به شیوه‌ای ملموس با دموکراسی آشنا می‌ساخت. با درآمدن ایران در زمره کشورهای دارای حکومت قانون، از مهم‌ترین برنامه‌هایی که می‌توانست مشارکت مردم در امور شهری را تضمین و آنان را با رسم و رسوم مشروطه‌گری آشنا سازد، بی‌گمان سپردن امور محلی به خود مردم بود؛ هم‌چنان که نمایندگان ملت نیز در دارالشورای ملی به این مهم رسیده بودند و خواهان نفوذ و گسترش قدرت مردم در امور شهری بودند؛ بدین خاطر به گردآوری و تصویب قانون بلدی پرداختند زیرا تصور می‌کردند «با تشکیل انجمن‌های بلدی از نمایندگان مردم، قدرت مشروطیت در شهرستان‌ها» رو به فزونی خواهد رفت.^۱ چنانچه این انجمن را یکی از نویسندگان دوره مشروطه به «حکومت محلی» تعبیر می‌کند؛ در این نوع حکومت، نمایندگان مردم در رأس امور قرار می‌گیرند و اراده حاکمان بر ادارات شهری ساقط می‌شود.^۲ خلاصه منظور اینکه به قول احمد کسروی معنا و مفهوم مشروطه، آن است که «یک توده شایندگی پیدا کرده و خودش کارهای خودش را راه برد» و کسی دخالت در این امر ننماید.^۳

قانون بلدیّه در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ به توشیح محمدعلی‌شاه رسید. این قانون بر روی اصل عدم تمرکز اداری قرار گرفت. انجمن بلدیّه و اداره بلدیّه (شهرداری) نهادی مستقل از دولت و مجلس برای اداره بهینه امور محلی مانند بهداشت، آبادانی، تنزیل و تسعیر نرخ اجناس و روی هم رفته جهت آسایش مردم بنیان‌گذاری شد.^۴ این انجمن به جهت مشارکت عمومی و نقش شهروند در امور محلی دارای ماهیت حقوقی و استقلال مالی بود و به طور کلی می‌توان گفت که نقش انجمن بلدی در شهر «بعینه همان حکم مجلس شورای ملی در امور مملکتی بود».^۵

نهاد متولی شهر، داری دو بخش بود: الف) انجمن بلدیّه ب) اداره بلدیّه. اتخاذ تصمیم درباره اداره کارهای شهر با انجمن و به کار بستن آن با اداره بلدیّه بود که کلانتر (شهردار) سرپرستی آن را بر عهده داشت.

به طور کلی، هدف اصلی «تأسیس بلدیّه، حفظ منافع شهرها و ایفای حوائج اهالی شهرنشین» معرفی شد.^۶ برخلاف ادعای برخی محققین،^۸ انجمن بلدیّه بر طبق نظام‌نامه بلدی، دارای اختیارات گسترده‌ای بود. این اختیارات و استقلال، آن‌جا اهمیت بیشتری می‌یافت که هیچ نهادی نمی‌توانست انجمن بلدیّه را منحل

۱. ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳ (تهران: علمی، ۱۳۶۳، چاپ دوم)؛ ص ۵۹۶.

۲. تاریخ انقلاب ایران، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره مسلسل ۸۸۶۰، نسخه خطی، (بی‌تا)؛ ص ۱۳۳.

۳. کسروی، احمد، مشروطه بهترین شکل حکومت و آخرین نتیجه اندیشه نژاد آدمی است (تهران: بی‌نا، ۱۳۳۵)؛ ص ۴.

۴. ماده ۶۴ نظام‌نامه بلدی مقرر می‌داشت: «که اعضای انجمن بلدی از دولت یا ملت، موظف نخواهند بود».

۵. مجلس، سال اول، ش: ۲۲۱؛ ص ۴.

۶. بر طبق بند ۹۳ نظام‌نامه بلدی «اداره بلدیّه در تحت ریاست رئیس انجمن بلدیّه خواهد بود و رئیس مزبور، موسوم به کلانتر بود».

۷. بر طبق ماده ۱ نظام‌نامه بلدی.

۸. تشکر، زهرا، «وظایف شهرداری‌ها در ایران از تصور تا واقعیت»، مجله شهردارپهنا، سال اول، ش: ۲، تیر ۱۳۷۸؛ ص ۵.

کند.^۱ هرچند در تدوین نظام‌نامهٔ بلدی به خاطر ترس از هرج و مرج در امور شهری، تصمیمات انجمن را با نظر حاکم، قابل تحقق تلقی می‌کردند.^۲ در عین حال، حق نظارت حاکم و رسیدگی به فعالیت‌های ادارهٔ بلدیته نیز برای جلوگیری از تخلفات، در قانون پیش‌بینی شده بود.^۳ این اختیارات تا حدی بود که متصدیان حکومتی را بر آن داشت تا در سال ۱۳۲۹ هـ.ق. نظارت بیشتری را بر عملکرد بلدیته اعمال کنند.^۴

به هر طریق در مشروطیت اول تنها در چند شهر ایران، انجمن بلدیته شکل گرفت. چنانچه انجمن بلدیتهٔ تهران پس از انتخابات^۵ روز جمعه بیست و نهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ تأسیس شد؛^۶ انجمن بلدیتهٔ اصفهان با انتخابات ۵ شعبان ۱۳۲۵ شروع به کار کرد؛^۷ انتخابات انجمن بلدیتهٔ انزلی روز ۹ شعبان ۱۳۲۵ برگزار شد؛^۸ انجمن بلدی مشهد با انتخابات ۱۹ ذی‌حجه ۱۳۲۵ افتتاح گردید؛^۹ انتخابات انجمن بلدی رشت، روز جمعه ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۵ انجام گرفت.^{۱۰} در شهر تبریز هم انتخابات در تاریخ جمعه ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۵ برگزار شد^{۱۱} ولی به خاطر درگیری‌های مختلف تشکیل آن تا ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ به تعویق افتاد؛ جریدهٔ *حشرات الارض* در چند موضع از عدم تأسیس بلدیته اظهار گلایه کرده است.^{۱۲}

۱. بر طبق مادهٔ ۶۴ نظام‌نامهٔ بلدی: «اعضای انجمن بلدیته از طرف دولت یا ملت، موظف نخواهند بود.»
۲. بر طبق مادهٔ ۹۱ نظام‌نامه، «کلیهٔ این قواعد و دستورالعمل‌ها با رعایت حدود قوانین شرع انور به امضای حاکم رسیده و توسط ادارهٔ پلیس به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.»
۳. مادهٔ ۷ نظام‌نامهٔ بلدی بدین شرح می‌باشد: «حاکم شهر باید مراقبت نماید که اقدامات بلدیته، مخالف با این نظام‌نامه نباشد.»
۴. «لزوم نظارت حکومت بر عملکرد بلدیتهٔ تهران»، سازمان اسناد ملی، (شمارهٔ بازیابی: ۲۹۳/۵۰۰).
۵. انتخابات انجمن بلدی تهران چندین بار به تعویق افتاد. نخستین بار قرار بود در تاریخ ۲۳ جمادی‌الأول برگزار گردد. ولیکن بنا به دلیلی من جمله عدم اطلاع‌رسانی مناسب و زمان اندک پخش تعرفه‌ها، انتخابات به اول جمادی‌الثانی موکول شد (صبح صادق، سال اول، ش: ۷۳؛ ص ۴). در ادامه، انتخابات برای بار دوم نیز به تعویق افتاد. روز پنج‌شنبه ۲۲ جمادی‌الأول، هیئتی هفت نفره به دارالحکومه رفتند تا دربارهٔ انتخابات انجمن بلدی با کاشف‌السلطنه صحبت نمایند. مباحث مطرح شده در این دیدار یکی دربارهٔ موعد مقرر انتخابات بود، که تا ۱۵ جمادی‌الثانی به تعویق افتاد (صبح صادق، سال اول، ش: ۷۴؛ ص ۳). دیگری دربارهٔ رأی‌دهندگان بود که تأکید بر این شد که بر طبق شرایط نظام‌نامه، تعرفه در اختیار ایشان قرار گیرد (حقوق، سال اول، ش: ۱؛ ص ۳). با این تفاسیر حتی تا چندین روز بعد از ۱۵ جمادی‌الثانی نیز «عدهٔ منتخبین» تکمیل نشد (صبح صادق، سال اول، ش: ۹۴؛ ص ۱). به هر حال، کاشف‌السلطنه تا اواخر ماه جمادی‌الثانی درگیر برگزاری انتخابات بود (ایران سلطانی، سال ۶۰، ش: ۹؛ ص ۳).
۶. صبح صادق، سال اول، ش: ۱۰۶؛ ص ۱؛ برای اطلاع بیشتر از انجمن بلدی تهران، نک: فلاح توتکار، حجت و محمد بیطرفان، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدی تهران در دورهٔ اول مجلس شورای ملی»، *مجلهٔ مطالعات تاریخ فرهنگی انجمن ایرانی تاریخ*، سال بیست و یکم، ش: ۱۲، زمستان ۱۳۹۰.
۷. *جهاد اکبر*، سال اول، ش: ۲۶؛ ص ۸؛ برای اطلاع بیشتر از انجمن بلدی اصفهان، نک: فلاح توتکار و بیطرفان، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدی اصفهان در دورهٔ اول مجلس شورای ملی»، *مجلهٔ مطالعات تاریخ فرهنگی انجمن ایرانی تاریخ*، سال دوم، ش: ۷، بهار ۱۳۹۰.
۸. *حبل‌المتین تهران*، سال اول، ش: ۱۱۹؛ ص ۳-۴.
۹. *خورشید*، سال اول، ش: ۹۹؛ ص ۴.
۱۰. دهقان، محمود، «اولین انجمن شهر چگونه تأسیس شد؟»، در: *گیلان‌نامه (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی)*، به کوشش جکتاجی، ج ۵، (رشت: طاعتی، ۱۳۸۰)؛ ص ۷۳. برای اطلاع بیشتر از انجمن بلدی رشت، نک: بیطرفان، محمد، «ادارهٔ امور شهری رشت در دورهٔ مجلس اول»، *مجلهٔ پژوهش در تاریخ*، سال دوم، ش: ۸، پاییز ۱۳۹۱.
۱۱. *انجمن تبریز*، سال دوم، دورهٔ اول، ش: ۲۹؛ ص ۳؛ برای اطلاع بیشتر از انجمن بلدی تبریز، نک: (فلاح توتکار و بیطرفان، همان).
۱۲. *حشرات الارض*، سال اول، ش: ۳؛ ص ۳ و ۵ و ش: ۵؛ ص ۳-۲.



نحوه تدوین نظامنامه بلدی در مجلس شورای ملی

مجلس، نخستین بار، روز یکشنبه ۴ محرم ۱۳۲۵ به بررسی برخی مفاد نظامنامه انجمن بلدی پرداخت. در ادامه مجلس، مقرر شد که از روی نظامنامه بلدی، رونوشت‌هایی تهیه و به نمایندگان تحویل داده شود تا در بررسی بعدی با تفحص بر روی آن، این نظامنامه تنقیح گردد.^۱

در این میان بین برخی نمایندگان بر سر اولویت تصویب قانون انجمن ایالتی و ولایتی و قانون بلدی اختلاف بود. کسانی که می‌خواستند مجلس به ساز و کار قانونی خود دست یابد و از امورات بلدی، آن هم منوط به پایتخت، احتراز کند، اصرار داشتند که قانون بلدی زودتر تصویب گردد. ولی از آن طرف برخی از نمایندگان به خاطر وضع بد ایالات داشتند تا قانون ایالتی و ولایتی در اولویت برنامه‌های مجلس قرار گیرد. دسته دوم در قبال تشویش مردم در زمینه معیشتی و دیگر امورات بلدی خود را به کناری می‌کشیدند. احتمالاً به دلیل اینکه عمده مباحث اوائل کار مجلس، مباحثات خسته‌کننده ارزاق دارالخلافه بود. به هر حال با اصرار نمایندگان دسته دوم لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اولویت قرار گرفت ولی اهمیت نظامنامه بلدی، کمتر از لایحه انجمن ایالتی و ولایتی نبود.^۲

نظامنامه بلدی برای بار دوم در روز پنجشنبه ۲۷ صفر برای تنقیح در جلسه علنی مجلس مطرح گردید.^۳ با بررسی فصول مختلف، در روز سه‌شنبه ۲ ربیع‌الأول قرائت و با ۶۳ رأی موافق، تصویب شد.^۴ ولی تصویب اولیه این نظامنامه سوای یک ماده قانونی بود.^۵ تا اینکه سرانجام باقی‌مانده نظامنامه روز سه‌شنبه ۹ ربیع‌الأول با ۶۹ رأی موافق تصویب گردید^۶ و در تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ به صحنه همایونی رسید.

دربارۀ چگونگی اخذ کتابچه قانون بلدی در منابع، خبر درخور توجهی نیست. فقط در صورت مذاکرات مجلس، اشاره کوتاهی به ترجمه بودن آن رفته است.^۷ ولی ظن قوی بر این است که از مبانی فکری انقلاب فرانسه وام گرفته شده باشد.^۸

آنچه بارز است پس از تصویب نظامنامه بلدی و ارجاع آن به ایالات، چندین ماه بعد این نهاد در برخی شهرها برقرار می‌شود. در این زمینه، روزنامه آئینه غیب‌نما طی مقاله‌ای، از عدم شکل‌گیری انجمن بلدی در سایر بلاد که «الزام تمام امورات است» پس از سه ماه از تصویب نظامنامه، گلایه می‌کند و تنها راه تحقق

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، جلسه ۴۱.

۲. ندای وطن، سال اول، ش: ۲۱؛ ص ۱.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسه ۶۵.

۴. همان؛ جلسه ۱۳۹.

۵. ندای وطن، سال اول، ش: ۲۴؛ صص ۳-۱.

۶. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ جلسه ۷۲.

۷. همان؛ جلسه ۴۱.

۸. برخی محققان، برآنند تا متصدی خاصی برای نگارش قانون بلدی به‌شمارند؛ به عنوان نمونه، کاظمی، معتقد است که نظامنامه بلدی توسط کاشف‌السلطنه نگاشته شده است (نک: کاظمی، ثریا، حاج محمد میرزا کاشف‌السلطنه «چاپکار» (تهران: سایه، ۱۳۷۲)؛ ص ۶۲). اما روزنامه ندای وطن، تنظیم و ترجمه نظامنامه را به میرزا حسن خان مشیرالملک نسبت می‌دهد. (ندای وطن، سال اول، ش: ۱۲؛ ص ۱) و با توجه به روند تصویب نظامنامه در مجلس، به نظر می‌رسد خبر ندای وطن به واقعیت، نزدیکتر باشد.



این وعده را انتخاب نمایندگانی از طرف مجلس برای برپایی این نهاد در تمامی شهرهای ایران می‌داند.^۱ به هر حال به دلایل چندی، این فاصله ایجاد شد: الف) تفهیم قوانین برای کارگزاران؛ ب) ایجاد زمینه‌های فکری و علمی در جامعه و ج) مقدمات اولیه تأسیس بلدی.

شکل‌گیری انجمن بلدیة قزوین

درباره شکل‌گیری انجمن بلدی قزوین دو گزارش متفاوت در منابع آمده است که با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، سعی بر آن است تا صحت و سقم این گزارش‌ها روشن شود.

الف) گزارش اول

اولین باری که سخن از انجمن بلدی قزوین می‌رود، به نقل از روزنامه معارف است. جریده مذکور مانند برخی روزنامه‌های دیگر، فرق بین انجمن بلدی، انجمن محلی (برای انتخابات اولیه مجلس) و انجمن ایالتی و ولایتی را متوجه نشده است؛^۲ چنانچه تأسیس انجمن بلدی قزوین را در روز سه‌شنبه ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ و به همت حجت الاسلام حاج سیدابراهیم مجتهد اعلام می‌کند.^۳

روزنامه مزبور در مقدمه خبر درباره انجمن بلدی می‌گوید:

یک صد آهین پنجه در مقابل تجاوزات اقویا و ناظر اعمال حکام خودسر و مفتش سینات ظلام و وسایل

تأمین حقوق ملهوف و مظلوم و پشتیبان لوی فرح‌افزای شورای کبرای مقدس ملی شناخته می‌شوند.^۴

در تأیید گزارش فوق، ندای وطن نیز طی گزارشی از قزوین در ماه ربیع‌الثانی از جناب افصح المتکلمین

و حاجی سیدغلامحسین به عنوان کسانی که در تأسیس انجمن بلدی زحمت کشیده‌اند، نام می‌برد.^۵

هم‌چنین آقا شیخ حسین نماینده قزوین در مجلس در تاریخ ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ به وجود انجمن

بلدی قزوین اشاره نموده است اما با توجه به تاریخ تصویب و ابلاغ نظام‌نامه بلدی، دایر بودن چنین نهادی

در این تواریخ رد می‌شود.

هم‌چنین حبل‌المتین در این رابطه با کمی اختلاف زمانی (در ماه جمادی‌الثانی) می‌نویسد:

۱. اثینة غیب‌نما، سال اول، ش: ۱۲؛ ص: ۴.

۲. روزنامه تمتمن نیز در باب لفظ بلدی و نحوه کارکرد آن دچار خبط شده است. جریده مذکور با بیان بدبختی‌ها و فشار اشراری هم‌چون شطرانلو و فولادلو به اهالی خلخال، باز خدا را شکر می‌کند که انجمن بلدی در آن جا دایر است. هم‌چنین از انجمن بلدی اسلام سخن به میان می‌آید. (نک: تمتمن، سال اول، ش: ۲۰؛ ص: ۴). هم‌چنین لفظ انجمن بلدی بر انجمن ایالتی تبریز از سوی بزرگان مجلس مانند سعدالدوله و آقا میرزا محسن به کار رفته است. (مجلس، سال اول، ش: ۲۱؛ ص: ۲). در این راستا، روزنامه مجلس نیز از مجالس نظار انتخابات رشت و انزلی به عنوان مجالس بلدی نام می‌برد (همان؛ ش: ۵۲؛ ص: ۴؛ و ش: ۵۳؛ ص: ۴). به نظر می‌رسد که انجمن بلدی با انجمن محلی که پس از مشروطه در اقصی نقاط ایران شکل گرفته، اشتباه شده باشد. زیرا در این تاریخ هنوز نظام‌نامه بلدی، از مجلس نگذشته است. البته ناگفته نماند که این اشتباه در متون دیگر نیز اتفاق افتاده است. به نظر می‌رسد قبل از تدوین نظام‌نامه بلدی، برخی انجمن‌های محلی و یا ولایتی را با نام انجمن بلدی خطاب می‌کرده‌اند.

۳. معارف، سال اول، ش: ۲۴؛ صص ۳-۴.

۴. همانجا.

۵. ندای وطن، سال اول، ش: ۳۵؛ ص: ۳.

۶. مشروح مناکرات مجلس، همان؛ جلسه ۹۸.

قریب یک ماه است که مجلس قزوین برقرار شده؛ به ریاست جناب مستطاب شریعتمدار، آقای حاجی سید محمدابراهیم - سلمه الله تعالی - هفته‌ای سه روز مجلس می‌نمایند؛ سی و دو نفر وکلا در مجلس حاضر می‌شوند؛ به عرض مردم به خوبی می‌رسند؛ هیچ ملاحظه از کسی ندارند؛ مخصوصاً جناب مستطاب ملاذ الاسلام و المسلمین آقای حاجی شیخ الاسلام و جناب مستطاب آقای آقا میرزا حسن در مجلس هر روز حاضرند.^۱

این گزارش، حاوی نکات مغشوشی است؛ اولاً قزوین به عنوان یک شهر متوسط می‌بایست از ۲۰ نماینده برخوردار می‌شد. در ضمن در گزارش فوق به ۳۲ نماینده اشاره رفته که اصولاً در نظامنامه برای شهرهای بزرگ به ۳۰ نماینده تأکید دارد؛ همان‌طور که انجمن تهران، مشهد و تبریز با ۳۰ نماینده دایر شدند؛ ثانیاً، به اشاره روزنامه معارف، زمان شکل‌گیری این انجمن، ماه ربیع‌الأول بوده است که از لحاظ زمانی، با توشیح و ابلاغ نظامنامه بلدی به ایالات، تفاوت فاحش زمانی دارد. در این بین، گزارش روزنامه ایران نیز درباره برگزاری جلسات انجمن بلدی در ماه جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ در راستای این دو خبر قرار می‌گیرد. بر طبق گفته روزنامه مزبور، انجمن بلدی قزوین، هفته‌ای سه روز در عمارت حکومتی با حضور میرزا عباسقلی‌خان نماینده حکومت، دایر است و در انتظام رفاه اهالی، سعی بلیغ دارد.^۲

ب) گزارش دوم

بنا به نوشته کتاب مینودر پس از تشکیل انجمن ولایتی قزوین، انجمن دیگری به نام بلدیّه از منتخبین اصناف شکل گرفت. رئیس آن صدراالعلماء فرزند حاج ملاصالح برغانی بود و حاج محمدحسن شاهرودی، حاج سیدموسی بزاز، حاج سیدمیرزای عطار و عده‌ای دیگر در این زمینه وی را همراهی می‌کردند که چکیده عملکردشان در مورد تنظیمات امور شهری و رسیدگی به خوار و بار بود.^۳

این گزارش نیز به لحاظ محتوایی، مغشوش است زیرا انجمن بلدی، از اصناف شکل نمی‌گیرد بلکه از نمایندگان محلات شهر صورت می‌بندد. در ضمن، فعالیت‌های انجمن بلدی به امور خوار و بار که نوعاً صنفی است، خلاصه نمی‌شود بلکه با توجه به بحث مفصل در این زمینه، ابعاد بزرگتری را دربرمی‌گیرد.

با توجه به اینکه به زمان انتخابات و شکل‌گیری انجمن بلدی در منابع اشاره نرفته است حتی درباره انجمن ولایتی نیز در کتب و مقالات، اخبار قابل توجهی وجود ندارد و نمی‌توان به یقین، به تأیید و یا رد آن پرداخت. ولی آنچه که از روند شکل‌گیری نهادهای مدنی می‌توان یافت، به نظر نمی‌رسد که تا قبل از ذی‌حجّه سال ۱۳۲۵، انجمن قانونی بلدیّه در قزوین دایر شده باشد.

شهرهای بزرگ عصر مشروطیت بسیار دیرتر از قزوین به این نهاد دست یافتند؛ مثلاً اصفهان و انزلی در ماه شعبان، رشت و مشهد در ماه ذی‌حجّه ۱۳۲۵ و تبریز (تقریباً) در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ به این نهاد دست یافتند. تنها شهر تهران بود که زودتر از دیگر شهرها و در اواخر ماه جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ به تشکیل انجمن بلدیّه اقدام کرد. پس نمی‌توان انتظار داشت که شهری هم‌چون قزوین که اطلاعات بسیار اندکی از انجمن ولایتی آن در دست است، قبل از ذی‌حجّه ۱۳۲۵ به این نهاد دست یافته باشد.

۱. حبل‌المتین کلکته، سال چهاردهم، ش: ۴۶؛ ص: ۹.

۲. ایران سلطانی، سال ۶۰، ش: ۸؛ ص: ۴.

۳. گلریز، سیدمحمدعلی، مینودر یا باب‌الجَنّه قزوین، ج ۱ (تهران: طه، ۱۳۶۸، چاپ دوم)؛ ص: ۹۰۱.

پس از بررسی گزارش‌های فوق به نظر می‌رسد آگاهی درستی از انجمن بلدی مورد بحث به دست داده نشده باشد. به هر طریق، تمامی کسانی که بعدها درباره انجمن بلدی قزوین، قلم‌فرسایی نموده‌اند، مستقیم یا غیرمستقیم از گزارش دوم استفاده کرده‌اند.^۱ بنابراین بدون وجود منابع و اسناد متقن نمی‌توان به اثبات وجود انجمن بلدی پرداخت. به هر حال با اسنادی که در دست است می‌توان اوضاع تاریک این انجمن را تا حدودی روشن ساخت؛

سند اول، «نامه معین الرعايا به انجمن مجاهدین»^۲ است.

در این سند، معین الرعايا از مجاهدین خواهش می‌کند به دلیل انتخاب شدن میرزا حسن رئیس المجاهدین به نمایندگی انجمن بلدی، برای انتقال وی به انجمن نامبرده به منزل وی مراجعت کنند.^۳

سند دوم، درباره انتخاب میرزا حسن رئیس المجاهدین به ریاست انجمن بلدی است که ذیلاً آورده می‌شود:

خدمت عموم حضرات عالی و وکلای محترم بلدی - دامت توفیقاتهم - عرضه می‌دارد، بعد از آنکه اهل محل میدان گوسفند در غیاب بنده^۴ به قانون نظام‌نامه تعرفه گرفته؛ شصت و چهار تعرفه گرفته و عموم آن شصت و چهار نفر، مجاهدین محترم را ملاقات کرده؛ ایشان بنده را راضی کرده؛ قریب دویست نفر جمعیت با سرکار معین الرعايا آمدند به منزل بنده؛ با عموم مجاهدین بنده را بردند به انجمن محترم بلدی، خدمت وکلای محترم معرفی کردند و روز دوم به قانون نظام‌نامه خواستیم رئیس و نویسنده از میان خود معین نماییم. عموم وکلا متفقاً این خادم مجاهدین و فدایی ملت را رئیس قرار داده و جناب عمده التّجار و الاشراف، افتخار الحاج حاجی محسن تاجر جباری - زید مجده - را نویسنده قرار دادند. از آن روز حکومت چون مانده غرض دارد، هر روز یک اسبابی در تخریب انجمن محترم بلدی فراهم می‌آورد. متمنی است آنچه میان واقع است در صفحه مقابل، مرقوم فرمایید که عند الحاجة حجت باشد.

[نوشته صفحه مقابل: بلی، شصت و یک تعرفه با حضور نماینده حضرت حکمران خوانده شد و به موجب ورقه‌ای [که] در ضبط نماینده حکمران موجود [است]، انتخاب رئیس و نویسنده مجلس به اکثریت آراء معلوم گردید. ابدأ خلافي ندارد و صحیح است ...]

[نوشته پایین صفحه اول: «بلی، این بنده عاصی اقل اهل العلم و الطلاب و خادم ملت محمدحسین بن الحاج ملا آقای مجتهد - اعلی الله مقامه - داخل در نظار بلکه رئیس نظار بودم. در محضر این داعی شصت و یک رأی و ورقه انتخاب به اسم جناب مستطاب جلالت‌مآب معاذ الانام و رئیس الاسلام آقای آقا میرزا حسن - مد ظله - نجل زکی جناب مستطاب مروج الاحکام آقای شیخ الاسلام - دام بقائه - بیرون آمد و

۱. چنانچه منابع تحقیقاتی جدید مانند تاریخ انقلاب مشروطیت قزوین و قزوین؛ از بلديه تا شهرداری نیز با پیروی از گزارش‌های آقای گلریز بدون استنباط موضوع، فقط به گزارش آن پرداخته‌اند (نک: نورمحمدی، مهدی، قزوین در انقلاب مشروطیت (قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۲)؛ صمدیها، رضا، قزوین؛ از بلديه تا شهرداری (قزوین: شهرداری قزوین، ۱۳۸۹).

۲. مهدی نورمحمدی عنوان این سند را چنین معرفی می‌کند: «نامه معین الرعايا به انجمن مجاهدین درباره ریاست انجمن بلدی میرزا حسن»؛ در صورتی که این عنوان اشتباه است زیرا هنوز وی به عنوان رئیس انتخاب نشده بود. در سند مذکور آمده است: «... چون که به کثرت آراء، حضرت مستطاب آقای آقا میرزا حسن رئیس، برای وکالت انجمن بلدی انتخاب شد، لذا از انجمن محترم استدعا می‌شود ...». ناگفته نماند که منظور از «رئیس» مندرج در سند، ریاست میرزا حسن بر انجمن مجاهدین بود که به رئیس المجاهدین مشهور شد.

۳. نورمحمدی، همان؛ صص ۳۱۳-۳۱۲.

۴. دلیل بی‌خبری میرزا حسن از انتخاب خویش، برمی‌گردد به ماده ۱۸ نظام‌نامه بلدی که بیان می‌دارد: «شخصی که انتخاب می‌شوند، باید قبل از وقت، خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند و یا به تکلیف انتخاب‌کنندگان، قبول انتخاب شدن را نموده باشند.»

همان کتابچه و صورت رأی و تعرفه در نزد گماشتگان و نماینده حکومت ضبط است و فعلاً غرض به خرج داده؛ اخلال در امر تشکیل بلدیه دارند و پس از انتخاب جناب مستطاب معظم الیه - سلمه الله - به وفق نظامنامه، عموم وکلا جناب ایشان را رئیس برای خود قرار دادند. فی شهر محرم ۱۳۲۶.^۱

آنچه از این سند برداشت می‌شود، نشان‌دهنده انتخابات اولیه انجمن بلدی است. چنانچه انتخاب رئیس و منشی انجمن بلدی در همین جلسه مطرح و انجام گرفت. به فرض اینکه طبق گزارش گلریز، صدرالعلما رئیس انجمن بوده باشد و بنا به دلایلی استعفا نموده باشد، سؤالی که مطرح می‌شود، این است که اولاً چرا در صورت جلسه انتخابات، نامی از این استعفا نیست؛ ثانیاً کسانی که گلریز در همراهی صدرالعلما نام می‌برد اصلاً جزو امضاکنندگان صورت جلسه مزبور نیستند؛ ثالثاً، اگر استعفایی صورت گرفته باشد چرا اصلاً در منابع آن زمان از جمله جراید، خاطرات، گزارش‌ها و ... اصلاً خبری از این استعفا نیست؛ رابعاً، اینکه انتخاب میرزا حسن از حوزه انتخابیه «گوسفند» نشان می‌دهد محلات مختلفی درگیر انتخابات بوده‌اند. سند دیگر، تلگراف میرزا حسن رئیس المجاهدین به رئیس الوزرا و وزیر مالیه به تاریخ ۲ محرم ۱۳۲۶ در رابطه با عودت چراغ‌های شهر قزوین است. مطلب مهمی که از این سند برداشت می‌شود، تازگی تأسیس بلدیته است:

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف وزیر مالیه و رئیس الوزرا - مدّ ظلّه - سیصد و پانزده تومان به اسم چراغ خیابان در کتابچه منظور است؛ بعد از حکومت مرحوم سعدالسلطنه، چراغ‌ها موقوف و حکام میل می‌فرمودند. حالیه که به مبارکی و میمنت انجمن بلدی در قزوین تشکیل شده، می‌خواهیم چراغ‌ها را به جای خود نصب نماییم؛ قبض نوشته‌ایم و از حکومت مطالبه می‌نماییم؛ نمی‌دهند؛ می‌گویند به اسم چراغ خانه حکومت است و این پول هم به مصرف چراغ خانه می‌باید برسد مستدعی است امر فرمایید این پول را تحویل بلدیه نمایند که از مرحمت حضرت اشرف، مشغول ترتیب چراغ شویم. از طرف شیخ الاسلام رئیس انجمن بلدی. ۲ محرم ۱۳۲۶.^۲

وزارت مالیه سه روز بعد در پاسخ به انجمن بلدی چنین می‌نگارد:

انجمن بلدی! تلگراف شما را ملاحظه کردم. از این مسئله، خود من خوب مطلع هستم؛ یقین دارم که جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی شیخ الاسلام هم اطلاع کامل دارند که این چراغ‌ها مشترک فیما بین خیابان دالان عالی قاپو و عمارت دیوانخانه آن جا بوده؛ حالا هم باید به همان اشتراک سابق باقی باشد.^۳

نتیجه

شهر قزوین از جمله شهرهای آزادی‌خواهی بود که همواره سدّ محکمی در برابر زیاده‌خواهی‌های حکومت به شمار می‌رفت؛ چنانچه آوازه مجاهدین آن در مکتوبات مشروطه، نمایان است. به هر حال با وجود رشد اندیشه قانون‌خواهی در این شهر و ایجاد نهادهای مدنی، اطلاعات اندکی از آن باقی مانده است. زیرا عمده مجاری شناخت مباحث اجتماعی هر عصری در دوران معاصر، بررسی و شناخت مطبوعات آن

۱. نورمحمدی، همان؛ صص ۳۱۴-۳۱۲.

۲. «پرداخت مخارج روشنایی به بلدیه و حقوق سربازان محافظ در زمان اغتشاش تهران و قزوین»، سازمان اسناد ملی، (شماره بازیابی):

۲۴۰/۱۸۵۷۲؛ برگه شماره ۲.

۳. همان؛ برگه شماره ۴.

دوره است ولی از جراید شهر قزوین، مقدار قابل توجهی برای بررسی باقی نمانده است. به هر طریق بر اساس این اطلاعات پراکنده و اسناد نویافته، مقدمات انتخابات و نتایج نهایی انجمن بلدی شهر قزوین در اواخر ذی‌حجه ۱۳۲۵ و اوایل محرم ۱۳۲۶ صورت پذیرفته و اولین رئیس بلدیّه برخلاف نظر منابع تحقیقاتی، میرزا حسن رئیس المجاهدین بوده است.



کتابنامه

ابن‌اخوه، محمد بن احمد بن قریشی، *آیین شهرداری در قرن هفتم هجری*، ترجمه جعفر شعار (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، چاپ سوم).

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *چهل سال تاریخ ایران*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، چاپ دوم).

تاریخ انقلاب ایران، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، شماره مسلسل ۸۸۶۰، نسخه خطی، (بی‌تا).

دالمانی، هنری رونه، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵).

صمدیها، رضا، *قزوین؛ از بلدیة تا شهرداری (قزوین: شهرداری قزوین، ۱۳۸۹)*.

فلور، ویلم، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۱ (تهران: توس، ۱۳۶۶).

فران، جان، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین (تهران: رسا، ۱۳۸۸، چاپ نهم).

کارری، جملی، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ (تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸).

کاظمی، ثریا، *حاج محمد میرزا کاشف‌السلطنه «چابکار»* (تهران: سایه، ۱۳۷۲)؛ ص ۶۲.

کرزن، جرج ناتانیل، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، چاپ پنجم).

کسروی، احمد، *مشروطه بهترین شکل حکومت و آخرین نتیجه اندیشه نژاد آدمی است* (تهران: بی‌نا، ۱۳۳۵).

گلریز، سید محمد علی، *مینودر یا باب‌الجنه قزوین*، ج ۱ (تهران: طه، ۱۳۶۸، چاپ دوم).

لمبتون، آن ک. اس. *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵، چاپ سوم).

ملکزاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۳ (تهران: علمی، ۱۳۶۳، چاپ دوم).

ملکم، سر جان، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه اسماعیل حیرت، ج ۲ (تهران: افسون، ۱۳۸۰).

نورمحمدی، مهدی، *قزوین در انقلاب مشروطیت (قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۲)*.

وقایع اتفاقیه، به کوشش سعیدی سیرجانی (تهران: آسیم، ۱۳۸۳، چاپ چهارم).

اسناد و مطبوعات

آرشیو سازمان اسناد ملی، (شماره بازیابی): ۲۹۳/۵۰۰.

آئینه غیب‌نما، سال اول، ش: ۱۲؛ ص ۴.

احرار، احمد، «از محتسب و داروغه ... تا رئیس بلدیة و شهردار»، *مجله خواندنیها*، سال هفدهم، ش: ۸۵، شنبه ۸ تیر ۱۳۳۶؛ ص ۱۲.

اشرف، احمد، «شهرنشینی از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی»، *مجله آرش*، دوره پنجم، ش: ۲۵، مرداد ۱۳۶۰؛ صص ۱۰۳-۱۰۱.

_____، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، ش: ۴، تابستان ۱۳۵۳؛ ص ۲۵.

انجمن تبریز، سال دوم، دوره اول، ش: ۲۹؛ ص ۳.

ایران سلطانی، سال ۶۰، ش: ۹؛ ص ۳.

_____، ش: ۸؛ ص ۴.

بیطرفان، محمد، «اداره امور شهری رشت در دوره مجلس اول»، *مجله پژوهش در تاریخ*، سال دوم، ش: ۸، پاییز ۱۳۹۱.

تشرک، زهرا، «وظایف شهرداری‌ها در ایران از تصوّر تا واقعیت»، *مجله شهرداریها*، سال اول، ش: ۲، تیر ۱۳۷۸؛ ص ۵.

تمدن، سال اول، ش: ۲۰؛ ص ۴.

جهاد اکبر، سال اول، ش: ۲۶؛ ص ۸.

حبل‌المتین تهران، سال اول، ش: ۱۱۹؛ صص ۳-۴.

حبل‌المتین کلکته، سال چهاردهم، ش: ۴۶؛ ص ۹.

حشرات الارض، سال اول، ش: ۳.

حقوق، سال اول، ش: ۱؛ ص ۳.

خسروبیگی، هوشنگ، «مقدمه‌ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ه.ق.)»، *مجله نامه انجمن*، سال دوم، ش: ۶، تابستان ۱۳۸۱؛ ص ۹۵.

خورشید، سال اول، ش: ۹۹؛ ص ۴.

دهقان، محمود، «اولین انجمن شهر چگونه تأسیس شد؟»، در: گیلان‌نامه (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی)، به کوشش جکتاجی، ح ۵، (رشت: طاعتی، ۱۳۸۰)؛ ص ۷۳.

صبح صادق، سال اول، ش: ۷۳؛ ص ۴.

_____، ش: ۷۴؛ ص ۳.

_____، ش: ۹۴؛ ص ۱.

_____، ش: ۱۰۶؛ ص ۱.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۳ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴).
فرهانی منفرد، مهدی، «منصب کلانتر و چند سند در مورد دو تن از کلانتران عصر صفوی»، *گنجینه اسناد*، سال نهم، ش: ۳۶-۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.

فلاح توتکار، حجت و محمد بیطرفان، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدی اصفهان در دوره اول مجلس شورای ملی»، *مجله مطالعات تاریخ فرهنگی انجمن ایرانی تاریخ*، سال دوم، ش: ۷، بهار ۱۳۹۰.

_____، «شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدی تهران در دوره اول مجلس شورای ملی»، *مجله تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال بیست و یکم، ش: ۱۲، زمستان ۱۳۹۰.

لمبتون، آن. ک. اس.، «خاص‌گرایی بومی و مردم‌عامی در ایران پیشامدرن»، ترجمه لیلا چمن‌خواه، *مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال هفدهم، ش: ۱۹۱-۱۹۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۲؛ ص ۱۰.

مجلس، سال اول، ش: ۲۱؛ ص ۲.

_____، ش: ۲۱؛ ص ۴.

_____، ش: ۵۲؛ ص ۴.

_____، ش: ۵۳؛ ص ۴.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.

معارف، سال اول، ش: ۲۴؛ صص ۳-۴.

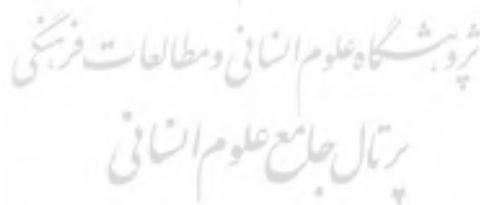
ندای وطن، سال اول، ش: ۱۲؛ ص ۱.

_____، ش: ۲۱؛ ص ۱.

_____، ش: ۲۴؛ صص ۱-۳.

_____، ش: ۳۵؛ ص ۳.

یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلابریان تا پهلوی، به کوشش جهانگیر قائم‌مقامی (تهران: چاپخانه ارتش شاهنشاهی، ۱۳۴۸).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی